

توضیحاتی در مورد ایجاد سایت به نام کمیته هماهنگی منطقه تهران

وفا قادری و فردین نگهدار

نهم فروردین ماه هشتاد و هفت

اخیراً عده ای از دوستانمان در کمیته هماهنگی به نام منطقه تهران سایتی ایجاد کرده اند که ضروری میدانیم توضیحاتی در مورد آن به کارگران و افکار عمومی و همچنین دوستانمان جنبش کارگری بدهیم.

همچنان که میدانید در این برهه ما به اتحاد و یکپارچگی بیشتری در مقابله با نظام سرمایه داری و سرمایه داران نیاز داریم تا در مقابل یورش همه جانبه شان به زندگی مان ایستادگی کنیم. و این نیاز میطلبد که ما کارگران و فعالان کارگری با درایت خاصی حول مطالبات خود از جمله ایجاد تشکل های مستقل طبقاتی برای پیشبرد خواستهای مبرم کارگران (افزایش دستمزد، جلوگیری از اخراج، لغو کار قراردادی و.....) متحد شده و از انشقاق و ایجاد دلسردی و توهم پرهیز کرده و برای تقویت صفوف مبارزه ضد سرمایه داری بکوشیم. کمیته هماهنگی با وجود تمام مشکلاتش که بخشی از آن در " کمیته هماهنگی در بوته نقد " در تاریخ ۱۳۸۶/۳/۲۸ مطرح شد امید می رفت که همگرایی بیشتری ایجاد شود و ما نیز علی رغم اینکه زیاد به آینده کمیته خوش بین نبودیم اما تلاشمان را در جهت اهداف کمیته به کار گرفتیم ما - فردین - گفتیم:

" من شخصا به آینده کمیته خوشبین نیستم. کمیته جمعی بود از گرایشات مختلف که می خواستند با رویکرد جنبشی به طبقه کارگر جنبش این طبقه نگاه کنند. پس اساسنامه نوشتند اما همین اساسنامه مبنایی شد بر يك مناقشه چون رویکرد جنبشی تعریف نشد. رویکرد جنبشی، حرکت جنبشی، حرکت ضد سرمایه داری از جمله کلماتی بود که استفاده می شد. بعد از اعتصاب سال ۸۴ شرکت واحد، رویکردهای مختلفی در مورد آن انجام گرفت که باعث شد همه از هم دور شوند. وقتی به گذشته نگاه می کنیم می بینیم وقتی هیات اجرایی عوض می شود رویکرد و رفتار بچه های تهران عوض می شود. حتی از سوی این دوستان مقاله به سایت داده نمی شود. ناهماهنگی ها همه معلول هستند و علت همانی است که به آن اشاره کردم. من می گویم حتی اگر بند "د" هم برداشته شود تغییر محسوسی رخ نخواهد داد چرا که آن ها که آمدند و یا نیامدند سر این بند نبود. کمیته شکل يك مجمع الجزایری را پیدا کرده. این که می گوئید چرا اخبار سایت کهنه شده پاسخ این است چرا به بخش اخبار سایت خبر نمی فرستید تا به روز باشد. ما آمدیم سبک کار بنویسیم دیدیم چه بنویسیم؟ برای که بنویسیم؟ از چه گرایشی بنویسیم؟ برای کجای ایران بنویسیم؟ هیچکدام از ما تعریف مشخصی از "تشکل مستقل کارگری" نداریم."

اما اقدام این دوستان در ایجاد سایت پیشاپیش به و اگرایی بیشتر در بین اعضای کمیته منجر شده است.

همگی به خوبی میدانند که سایت کمیته مدتی است به علت اختلافات درونی دچار انفعال شده است و نیز به خوبی میدانیم که این کم تحرکی نه از سایت و گردانندگان آن بلکه به علت درگیر بودن با مناقشات درونی کمیته می باشد که به راستی انرژی را گرفته است. دوستانمان به خوبی میدانند که در جلسات هیئت اجرایی بر سر ایجاد بولتن برای مناطق مباحثی

صورت گرفت، که قرار شد اگر امکاناتی باشد در جهت ایجاد بولتن سراسری قرار گیرد و از این که مناطق اقدام به تاسیس سایت کنند موافقت به عمل نیامد و همچنین کاملاً مطلعند هر مطلبی را که در راستای اهداف کمیته بوده و به طور مستقیم برای سایت ارسال شده درج گردیده است. این دوستان به جای ایجاد سایت (اگر نگرش فرقه ای و ایدئولوژیکی به مسائل کارگری ندارند) به اسم کمیته هماهنگی منطقه تهران برای سایت کمیته هماهنگی سراسری مطلب فرستاده و سایت را فعال می نمودند و از ایجاد توهم و دلسردی در میان کارگران پرهیز میکردند ، کاری که سابق انجام می دادند. اساساً یکی از گزینه هایی که ما را در میان مباحثات این دوره بر سر تشکل یابی کارگران به کمیته هماهنگی کشاند، بحث کارجنبشی و توده ای فراگیر و نیز عزیمت نگرش از پایین و غیر ایدئولوژیک به مبارزات کارگری و نیز کمک به سازمانیابی کارگران علیه سرمایه داری بوده است.

لازم میدانیم توضیحاتی را در مورد آن اطلاعیه و همچنین جوابنامه ضد فرمیستی!!؟ آقای حکیمی به کارگران و افکار عمومی بدهیم . به عنوان کارگرو عضو هیئت اجرایی تا حد توان و فکر خود بخش هایی از آنچه را که در این مدت در کمیته با آن برخورد نموده و برداشت کرده ایم، بازگو خواهیم کرد. در هر تشکلی خواه ناخواه ضوابطی لازم است. کمیته نیز نوشته و نا نوشته دارای ضوابطی بوده و تا هر زمانی که وجود داشته باشد دارای این ضوابط خواهد بود.

در این مدت که با کمیته هماهنگی بوده ایم نگرش جنبشی و غیر ایدئولوژیک را در درون کمیته و اساساً بیشتر از طرف آقای حکیمی به وارونه همان نگرش فرقه ای و ایدئولوژیک گذشته اما در قالب ضدیت با رویکرد گذشته چپ دیدیم . در کمیته هماهنگی قرار بود برای ایجاد تشکل کارگری تلاش شود و هر گونه تشکل صنفی، ورزشی و فرهنگی و همچنین سیاسی کارگران مورد حمایت قرار گیرد کاری که برای شرکت واحد و اکنون اتحادیه کارگران اخراجی و بیکار حتی با نقد و یا مخالفت با آن نیز صورت نگرفت.

تا آنجا که حافظه ی ما یاری میکند در هیچ جای مصوبات شفاهی یا کتبی کمیته مطرح نشده که ایجاد تشکل های مستقل کارگری شعار کمیته نیست و یا در راستای شعار (کارگران علیه سرمایه متشکل شویم) هم نیست. حداقل در شرایط امروزی ایران که کمیته کار خود را بر اساس آن تعریف کرده است. بلکه ایجاد تشکل مستقل از کارفرما و دولت و احزاب هم مورد بحث بوده است و این شعار به قول آقای حکیمی رفرمیستی و فرقه ای!!؟!

(پیش به سوی ایجاد تشکل مستقل کارگری) بجز در افکار ایشان نباشد امروزه هیچ کارگر و فعال کارگری آن را به نفع سرمایه و بر ضد منافع خود نمیداند.

همچنان که همه اطلاع دارند اسم کمیته عوض نشده، برآستی چرا شما آقای حکیمی اشتباه تاپیی یکی از اعضای کمیته را به پای همگی انداخته و آن را مدرک رفرمیستی ما قلمداد میکنید. این اشتباه تاپیی یک بار اتفاق افتاده و مورد تاپید هیچکس هم نبوده است. لازم به توضیح میدانیم که ما نیز از جمله کسانی هستیم که نام فعلی کمیته هماهنگی را علی رغم نقدش به قیومیت گرایی، قیم مآبانه میدانیم چرا که ما به نمایندگی از کارگران نباید تشکل ایجاد کنیم . اما چرا شما این اشتباه تاپیی را به عنوان پتک بر سر کمیته کوبیده و آن را مدرک رفرمیستی همه غیر از خودتان قلمداد میکنید ؟ راستی حق داریم شک کنیم که با خودتان هم رو راست نیستید.

یکی دیگر از ارکان نگرش جنبشی اعتقاد به مجمع عمومی به عنوان عالی ترین رکن تصمیم گیری هر جمعی بوده و هست و ما نیز به آن معتقدیم (حتی اگر تصمیم غلط باشد در آن صورت میتوان آنرا نقد کرده و یا نپذیرفت) اگر نام

کمیته هم عوض شود بنابه دلایل و باید تصمیم مجمع عمومی باشد.

آقای حکیمی شما چندیست که با ما بوده و مراوده دارید و از نیت و زندگیمان مطلعید ، اگر دیگران نمی دانند شما که خبر دارید ، آیا واقعا این حرفهای خود را قبول دارید و با صراحت روی آن پای میفشارید؟ سال هاست که من - وفا - با آقای سهرابی همکاری کرده و در کارخانه با هم کار کرده ایم و در محل زندگی نیز با هم بوده ایم ، اگر انکارکنی خود نیز مطلعید که وی کارگری با نگرش کاملا طبقاتی و صادق هستند. با این وجود ما در نقد او به شما مواردی را گوشزد کردیم که "سازمان لغو کارمزدی" نه موضوعیت دارد و نه عینیت اجتماعی، بلکه عده ای محفل گرا هستند که به دور از زندگی واقعی کارگران فعالیت می کنند. وای کاش ایشان نقدش را در آن موقعیت زمانی انتشار نمیداد تا بهانه ای برای حمله به او نمی شد. آیا مطرح کردن اینکه سهرابی به پلیس سیاسی آدرس داده، اشتباهی بزرگتر و بدتر از اشتباه آقای سهرابی نیست؟. واقعا باور شما اینست که هرکس در برخورد با شما اشتباه کند به پلیس آدرس داده، آن هم در کار علنی؟ و در مورد شما که چند شماره نشریه علیه کار مزدی انتشار دادید؟ و جالب تر آنکه از باور های جنبشی شما یاد گرفته ایم که اگر کسی به نفع ما بد تر از آنچه که بر علیه مان است بگوید و بنویسد هنوز کم است؟! (اشاره به منوچهر در بر برخورد با بهزاد و تایید شما که گویا هنوز کم گفته است) آیا معیار تشخیص انسانی شما برای خوب و بد فقط له و یا علیه بودن شماست؟ این درایت ضد فرقه ای و جنبشی شماست؟! این کرامت ضد سرمایه داری را در کجا آموخته اید که بر خورد اشتباه به خودتان را فحاشی و صد برابر بدتر از آن برخورد را بر علیه مخالفان نظری خود را هنوز کم دانسته و آن را جنبشی می نامید؟

برای تاکید تکرار میکنم که فقط املا نا نوشته غلط ندارد. آیا شما در موقع اداره سایت در درج مطالب اشتباه نکرده بودید؟! در هنگام درج اشتباه آن نوشته در سایت، مگر مسئول سایت برایتان توضیح نداد که این اشتباه به علت ناظر نبودن ایشان و کاملا "تصادفی" بوده است؟. راستی چرا شما هنگام درج مطلبی از آقای ملک پیرخضری که گرایششان کاملا مشخص و از فعالان خارج کشور است و هنوز هم روی سایت می باشد سکوت کردید؟ آیا این تناقض در گفتار و کردار نیست؟! پس نقد به خود را در کجای آن قرار داده اید؟ آیا این نوع تخریب و تهمت پراکنی به جای نقد ناشی از برخورد جنبشی شماست؟!

باز هم تاکید می کنیم که به تصمیم مجمع به عنوان عالی ترین رکن تصمیم گیری هر جمعی معتقدیم (اگرچه تصمیم غلط باشد که در آن صورت میتوان آن را نقد کرد). در هیئت اجرایی بر سر درج بولتن برای مناطق بحث شد و قرار بر این بود که اگر امکاناتی باشد در راستای کار سراسری قرار گیرد . با این وصف مناطق میتوانند برای خود در موارد مشخص اطلاعیه و یا کار انتشاراتی مثل کمیته تهران و منطقه غرب انجام دهند. اما ایجاد سایت و یا بولتن موازی با کار کمیته به عنوان کار دائم مشخص مورد تایید قرار نگرفت و ایجاد سایت از محدوده کار انتشاراتی مناطق خارج است. آیا اشتباه غیر عمد مانند درج یک مطلب در سایت و یا اشتباه تاپی در نوشتن یکبار نام کمیته و حتی درج شعار تشکل مستقل کارگری به قول شما محکومیت نامه میخواهد آن هم به عنوان هیئت اجرایی یا کار موازی سازی خارج از مصوبات کمیته به صورت سه یا چهار نفری؟

ما به جای توضیح در مورد درج ندادن مطالب شما در سایت ، خوانندگان را به بازدید از سایت کمیته هماهنگی دعوت نموده که خود ببینند و قضاوت کنند. در مورد فایل صوتی تصویری که ادعا کرده اید . گویا فراموش کرده اید که یک

فایل نبود بلکه هفت سی دی سخنرانی تصویری، در حدود ۵ گیگا بایت بود و برای اطلاع شما حجم آن فایل صوتی روی سایت حدود ۴۰ مگا بایت است. اما مهمتر آنکه بیش از یک سال است که آن را برای مسئول سایت فرستاده اید، چرا بعد از توضیحات ایشان مبنی بر پر حجم بودن آن و عدم امکان درج آن در سایت هیچ اقدامی برای صحت و سقم توضیحات ایشان انجام ندادید؟ و اگر قانع نمی شدید می توانستید به اطلاع هیئت اجرایی و مجمع برسانید؟ برآستی از همه اعضای هیئت اجرایی و کمیته می پرسیم که آیا در صداقت گفتار و رفتار مسئول سایت شکی داشتید؟ آیا این بر خورد شما ناشی از صداقت جنبشی شماست؟ جهت یاد آوری باید بگوییم بعد از مجمع دوم بنا به تصویب هیئت اجرایی قرار شد اداره سایت، شورایی باشد و شما از مخالفان سرسخت آن بودید و بعد از تحویل سایت به مسئول جدید، حتی حاضر به آموزش و همکاری نبودید و به مدت دو هفته تا مسئول سایت آموزش لازم را دید، سایت به صورت راکد ماند. ما بر این باوریم کار شما در شرایطی که کمیته در میان نگرش ایدئولوژیکی غوطه ور است کاری دلسرد کننده و توهم برانگیز است. و نیز اعتقاد داریم که شعار ایجاد تشکل سراسری ضد سرمایه داری با این وصف نظری تاکنونی شما شعاری ذهنی و بدون مبانی نظری اثباتی است و به عنوان راهکار عملی بدور از واقعیات امروزی زندگی طبقه کارگر است و فقط در ادبیات نویسنده ای مثل شما که به نام کارگران درج میشود می گنجد. آنهم پتکی شده به دست شما که بر علیه فعالان کارگری و مخالفان نظری به کار میبرید و همچنین کدی شده است برای شناسایی افکار ایدئولوژیکی تان که خود را با آن تعریف کرده اید. و به نظر ما بنا به شرایط امروز غیر واقعی و غیر عملی بوده و از واضحات است که برای کارگران کاملاً بیگانه و غیر ملموس است. این روشهای جدید الاختراع شما با کار جنبشی و فراگیر کارگری همخوانی ندارد و متأسفانه علیرغم تصور قبلی ما رویکرد جنبشی را نه در افکار تان، نه در نوشتار تان و نه در عملکرد تان ندیدیم. بابت تقبل هزینه سایت و یا طراحی اولیه آن و همچنین مطالبی را که در آن درج نموده اید ما به سهم خویش از شما تشکر میکنیم و سایه منتهی که بر سر ما کارگران می گذارید سنگینی میکند!! بالاخره زندگی کارگری در نظام سرمایه داری همین را ایجاب میکند که باید به دنبال نان برای زنده ماندن دویید و ضمن آن هم برای تغییر آن مبارزه کرد.

شما که مدعی نقد گذشته چپ هستید خود اکنون از ادبیات تخریبی و فرقه ای استفاده میکنید و برآستی!، رفتار دوستان و هم رزمان امروزتان را یک شبه "کاسبکارانه" و "آنان را" کوتوله های سیاسی" و گفتارشان را "ژاژخایی" نامیدن، بازتولید و ادامه همان نگرش و ادبیات گذشته فرقه ای نیست؟ تصمیم داریم به جای وارد شدن به مباحث و نگرش صرف ایدئولوژیکی به سازمان دهی و سبک کار کارگری، به زندگی واقعی خود با کارگران برگردیم. به راستی جای ما همانا بودن با هم طبقه ای هایمان است و دوباره تاکید میکنیم که این مباحثات و ادبیات ایدئولوژیکی تان در زندگی ما کارگران نمودی ندارد و دنبال کردن آن مانند گذشته چپ غیر کارگری، در مورد مسائل کارگری، آب در هاون کوبیدن است.

وفا قادری و فردین نگهدار

۱۳۸۷/۱/۹